

# جغرافیای تاریخی بدره

مؤلف: سیف‌الله صفری



انتشارات پلیکان

|                     |                                           |
|---------------------|-------------------------------------------|
| سرشناسه             | صفری، سیف‌الله، ۱۳۴۵-                     |
| عنوان و نام‌پدیدار  | جغرافیای تاریخی بدره/ مؤلف سیف‌الله صفری. |
| مشخصات ظاهری        | ۲۴۸ص. مصور، نقشه، جدول، نمونه، نموداری.   |
| شابک                | ۹۷۸-۹۶۴-۸۶۹۰-۹۴-۱                         |
| وضعیت فهرست نویسی   | فیا                                       |
| یادداشت             | کتابنامه.                                 |
| موضوع               | بدره                                      |
| رده‌بندی کنگره      | DSR۲۰۷۵/د۴ ص ۷ ۱۳۸۷                       |
| رده‌بندی دیویی      | ۹۵۵/۴۵۳۳                                  |
| شماره کتابشناسی ملی | ۱۵۲۷۸۰۳                                   |



انتشارات پلیکان

## جغرافیای تاریخی بدره

مؤلف: سیف‌الله صفری

ویراستار: غلامحسین اعرابی

طراحی جلد: علی اعرابی

صفحه‌آرایی: پلیکان / نوبت چاپ (اول): ۱۳۹۱

لیتوگرافی: طاووس رایانه / چاپ سیمرخ

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه / شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۶۹۰-۹۴-۱

قیمت: ۳۹۰۰ تومان

تهران: میدان انقلاب، خیابان کارگر جنوبی، کوچه کاج، پلاک ۱۳، ط اول

تلفن: ۰۹۱۹۴۸۲۸۵۴۴ - ۰۹۱۲-۵۳۳۳۸۰۰

برگ سبزی است تحفه درویشان

تقدیم به:

مردمان خونگرم

استان‌های

ایلام، کرمانشاه، کردستان، لرستان، خوزستان

و

کلیه محققین، مردم‌شناسان، باستان‌شناسان، ایران‌گردان،

کردها، لک‌ها، لرها و اعراب

و

کلیه بدره‌ای‌ها که در هر نقطه از کره خاکی اقامت دارند.

## فهرست مطالب

|                                                                   |    |
|-------------------------------------------------------------------|----|
| مقدمه و پیشگفتار همراه با نگاهی اجمالی به تاریخ دیرینه عیلام..... | ۵  |
| فصل اول.....                                                      | ۱۹ |
| بخش اول: جغرافیای طبیعی بدره.....                                 | ۲۰ |
| موقعیت جغرافیایی.....                                             | ۲۰ |
| نقاط دیدنی و تفرجگاه‌ها.....                                      | ۲۲ |
| تنگه‌های رازیانه و سُرّاک و غار بره‌زرد.....                      | ۲۲ |
| تنگه گنجه.....                                                    | ۲۲ |
| خیر جابر و تنگه کافری.....                                        | ۲۳ |
| تنگه کلم و دریزان.....                                            | ۲۴ |
| تنگ الماس و تنگ نور.....                                          | ۲۴ |
| تنگه لارت.....                                                    | ۲۴ |
| تنگه دَرَوَن (در بند).....                                        | ۲۵ |
| تنگه برنجان.....                                                  | ۲۵ |
| جلگه‌های رماوند و له‌لار.....                                     | ۲۶ |
| گرداب زمزم و افسانه آن.....                                       | ۲۶ |
| بقاع متبرکه.....                                                  | ۲۷ |
| بقعه جابر.....                                                    | ۲۷ |
| بقعه امام زادگان (تاج‌الدین و نظام‌الدین).....                    | ۳۰ |
| بقعه امام‌زاده پیرمحمد.....                                       | ۳۰ |
| گنبد عباس (پیر گلگه).....                                         | ۳۲ |
| قبور و اماکن مقدسه.....                                           | ۳۳ |

|    |                                                       |
|----|-------------------------------------------------------|
| ۳۴ | آثار باستانی و ابنیه تاریخی                           |
| ۳۴ | قبرستان بردیل در چناریاشی                             |
| ۳۵ | طاق مله گران در خوشقدم                                |
| ۳۵ | تپه بان گنجه                                          |
| ۳۵ | قلعه کلم                                              |
| ۳۶ | آتشکده کلم                                            |
| ۳۶ | قلعه شداد                                             |
| ۳۷ | دره کندوله (در کنیوه)                                 |
| ۳۸ | قلعه الماس                                            |
| ۳۸ | بل خانه آرش و تپه ارشت                                |
| ۳۹ | قلعه گردان یا گردان (قلعه شهر تاریخی لارت)            |
| ۴۰ | قلعه درون (قلعه درید، شهر پلکانی و تاریخی هندوبای)    |
| ۴۲ | مجموعه آثار باستانی در سنگه زرانگوش                   |
| ۴۳ | سایر نقاط مسکونی باستانی و تاریخی منطقه بدره          |
| ۴۴ | راه‌های ارتباطی (باستانی و کنونی)                     |
| ۴۴ | راه‌های باستانی                                       |
| ۴۴ | راه صیمره (سیمره) به بدره                             |
| ۴۴ | راه بدره به پشته ارشت و بردیل چناریاشی                |
| ۴۵ | راه بدره به میان راه جابر و شهر باستانی شیروان        |
| ۴۵ | راه بدره به میمه (میمه راه)                           |
| ۴۶ | راه‌های کنونی                                         |
| ۴۶ | محور ایلام-بدره-پلدختر                                |
| ۴۷ | راه بدره به شیروان                                    |
| ۴۷ | راه بدره به رومشکان                                   |
| ۴۷ | راه‌های فرعی بدره به سمت شبه جلگه‌های رماوند و لارلار |
| ۴۹ | بخش دوم: چگونگی شکل‌گیری بافت اجتماعی منطقه بدره      |
| ۴۹ | فرایند تاریخی بافت اجتماعی بدره و طوایف آن            |
| ۵۷ | طایفه زرانگوش                                         |

|    |                                                                 |
|----|-----------------------------------------------------------------|
| ۵۷ | تیره بان سوری (معروف به میشکه)                                  |
| ۵۸ | تیره طاهری                                                      |
| ۵۸ | تیره پیکه                                                       |
| ۵۸ | تخمه یاراحمدی                                                   |
| ۵۸ | تخمه قطب الدینی                                                 |
| ۵۸ | طایفه هندمینی                                                   |
| ۶۱ | تیره بای ون                                                     |
| ۶۱ | تیره ای زیری                                                    |
| ۶۳ | تیره سراج                                                       |
| ۶۳ | تیره آهنگر یا (نابنگر)                                          |
| ۶۳ | تیره چوئاش                                                      |
| ۶۴ | تیره کله مرد                                                    |
| ۶۴ | تیره ملک                                                        |
| ۶۵ | تیره گله دار یا گلیار                                           |
| ۶۵ | تیره جتال                                                       |
| ۶۶ | تیره برفی                                                       |
| ۶۶ | طایفه دوستان                                                    |
| ۶۸ | تیره لارتنی                                                     |
| ۷۱ | تیره سیخه پشت و توله کی                                         |
| ۷۲ | تیره باوه جاوری (بابا جابری ها)                                 |
| ۷۳ | تیره کهوند                                                      |
| ۷۳ | تیره تمروزی یا تمروسی                                           |
| ۷۴ | تیره مال میرکرده                                                |
| ۷۶ | تیره های زنگیسه مون و کلی ون                                    |
| ۷۸ | اندر حکایت آل حمزه در بدره                                      |
| ۸۰ | اندر حکایت قتل مهم کچه لارتنی و مهاجرت برخی کلی ون ها به لرستان |
| ۸۱ | تیره سور سور                                                    |
| ۸۱ | تیره کراوش یا کره گوش                                           |

- تیره مرای‌ون ..... ۸۲
- تیره پایرون ..... ۸۲
- تیره مومصارم ..... ۸۲
- تیره نظروگی ..... ۸۳
- تیره آهنگر (ناسنگر) ..... ۸۳
- سایر تخمه‌های طایفه دوستان ..... ۸۴
- تخمه ططریگی مشهور به فتحی ..... ۸۴
- تخمه تمی‌کنه ..... ۸۴
- تخمه رماونی ..... ۸۵
- تخمه‌های ریزه‌ونی، بیجنه‌وند و له‌له‌بیگی ..... ۸۵
- سایر تخمه‌های مقیم شهر بدره ..... ۸۵
- طایفه مالیمان یا مال‌هرمان ..... ۸۶
- تیره کلمی ..... ۸۶
- تیره گره‌میر ..... ۸۶
- تیره سلیم‌بیگی ..... ۸۶
- تیره مزگ‌ماری ..... ۸۷
- تیره میرویس ..... ۸۷
- تیره جلال‌دینی ..... ۸۷
- تیره ویسمرادی ..... ۸۷
- طایفه علیشروان ..... ۸۸
- تیره موسی ..... ۸۹
- تیره فیطولی ..... ۹۰
- تیره داره‌ونی ..... ۹۱
- تیره حیره‌ونی ..... ۹۱
- تیره صفر‌ونی ..... ۹۱
- تیره چراغ‌ونی ..... ۹۲
- تیره خیره‌سنی ..... ۹۲
- اندر حکایت مهاجرت علیشروان‌ها به ماژین صیمره و... بدره ..... ۹۲

|     |                                                           |
|-----|-----------------------------------------------------------|
| ۹۵  | اندر حکایت محله بدره‌ای در اسلام‌آباد                     |
| ۹۶  | جدول کلی اطلاعات راجع به طوایف و تیره‌های ایل بدره‌ای     |
| ۹۷  | پراکندگی جغرافیایی مردم منطقه بدره                        |
| ۹۸  | بدره و پدیده مهاجرت                                       |
| ۱۰۲ | کشاورزی، دامپروری و صنعت در بدره                          |
| ۱۰۲ | کشاورزی و دامپروری                                        |
| ۱۰۳ | صنعت                                                      |
| ۱۰۴ | گویش مردم بدره                                            |
| ۱۰۶ | برخی نکات دستوری در گویش بدره                             |
| ۱۰۸ | نمونه لغات در گویش کردی بدره‌ای                           |
| ۱۱۱ | فهرست امکانات موجود در روستاهای طوایف ایل بدره‌ای تا ۱۳۸۵ |
| ۱۱۳ | شکل‌گیری بافت سیاسی بدره در قالب تقسیمات کشوری            |
| ۱۱۹ | چشم‌انداز آینده منطقه بدره                                |
| ۱۲۱ | بخش سوم: فرهنگ مردم بدره                                  |
| ۱۲۱ | آموزش و پرورش، فرهنگ و هنر در بدره                        |
| ۱۲۵ | مراسم سور و سوگ در بدره                                   |
| ۱۲۵ | ازدواج و عروسی                                            |
| ۱۲۸ | پوشش و لباس مردم بدره                                     |
| ۱۲۹ | سرگرمی و بازی‌های محلی                                    |
| ۱۳۴ | نحوه گاه‌شماری در منطقه بدره                              |
| ۱۳۷ | فصل دوم                                                   |
| ۱۳۸ | بخش اول: حوادث مهم یک قرن اخیر                            |
| ۱۳۸ | جنگ مله‌دار                                               |
| ۱۴۱ | قتل شانظر قلائی و دستگیری همراهان او                      |
| ۱۴۴ | قتل توشمال خانمحمد کریمی                                  |
| ۱۴۸ | بخش دوم: بدره و غائله میرصید محمدخان اشرف‌العشایر         |
| ۱۴۸ | گذری بر طایفه میر و چگونگی ارتباط آن با منطقه بدره        |
| ۱۵۱ | قلمرو سیاسی والی ایلام و اشرف‌العشایر                     |

|                                                               |     |
|---------------------------------------------------------------|-----|
| تأثیر ظهور رضاخان بر حاکمیت ولایت پشتکوه.....                 | ۱۵۳ |
| چگونگی شکل‌گیری عملیات محاصره و قتل اشرف‌العشایر در بدره..... | ۱۵۶ |
| عواقب قتل اشرف‌العشایر بر منطقه بدره.....                     | ۱۶۱ |
| بخش سوم: غائله کرمی لرستانی در بدره.....                      | ۱۶۵ |
| هویت کرمی لرستانی.....                                        | ۱۶۵ |
| انگیزه قتل فرزندان و نوه فرضی صفری.....                       | ۱۶۸ |
| مصاحبه با دو نفر از ملاقات‌کنندگان با کرمی لرستانی.....       | ۱۷۳ |
| طراحی عملیات ختم غائله کرمی لرستانی.....                      | ۱۷۷ |
| درگیری در بان انشک و فرجام کار.....                           | ۱۷۸ |
| حکایت قتل کرمی بر اساس ماهنامه وقت ژاندارمری.....             | ۱۸۲ |
| رفع غائله کرمی لرستانی و اشرار صیمره و پشتکوه.....            | ۱۸۳ |
| حکایت اجساد جان‌آختگان بان انشک.....                          | ۱۸۵ |
| فصل سوم.....                                                  | ۱۸۹ |
| نقشه‌های جغرافیایی.....                                       | ۱۸۹ |
| مدارک استنادی.....                                            | ۱۹۵ |
| شجره‌نامه برخی تیره‌ها و تخمه‌های مقیم بدره.....              | ۲۱۳ |
| تصاویر نقاط جغرافیایی منطقه بدره.....                         | ۲۲۷ |
| تصاویر نقاط باستانی و اماکن متبرکه.....                       | ۲۲۷ |
| فهرست منابع.....                                              | ۲۴۵ |
| فهرست معمرین و مطلعین.....                                    | ۲۴۷ |

## مقدمه و پیشگفتار همراه با نگاهی اجمالی به تاریخ دیرینه عیلام

چند قرن از شکل‌گیری بافت اجتماعی منطقه بدره در مدخل ارتفاعات زاگرس می‌گذرد و حکایات و داستان‌ها سینه به سینه از نسلی به نسلی دگر منتقل می‌شود و در سیرانی نه چندان محسوس زندگی سنتی به ماشینی تبدیل شده و همچون سایر نقاط کشور خانواده‌های گسترده جای خود را به خانواده‌های هسته‌ای داده است.

تفکر مادیگرایی و تحمل‌خواهی عرصه را بر همگان تنگ نموده و چندان خبری از داستان‌سرایی سالخورده‌گان مشاهده نمی‌شود و نسل‌های کنونی چندان که باید احساسات همدیگر را درک نمی‌کنند و شاید سرگرمی و بلکه مشکلات روزمره تحولات منطقه را به ورطه فراموشی می‌راند. به واسطه پیشرفت تکنولوژی و پوشش صدا و سیما و گسترش آموزش به زبان رسمی و ارتباطات مردم منطقه با شهرهای بزرگ، لهجه و گویش مردم کنونی متزلزل شده و با ساکنان گذشته متفاوت و در حال تحول است. خانواده‌ها جهت بهره‌مندی اطفال از برنامه‌های تلویزیونی و به بهانه درک درس و مشق مدرسه سعی دارند که کودکان خود را به تکلم به زبان فارسی عادت دهند. حوادث ناگواری همچون قتل شانظر قلایی در کوه سیاه‌پیر، جریان دستگیری اشرف‌العشایر و عواقب ناخوشایند آن در بدره و همچنین قتل سه بی‌گناه به دست همدستان کرمی لرستانی که جملگی با خاندان صفرخانی در ارتباط بوده است و اشتغال در ثبت احوال که موجب علاقه‌مندی بیشتر به شناخت هویت و بافت اجتماعی مردم منطقه شد و از طرفی نظاره‌گریم که هراندازه زمان به پیش می‌رود امکان دسترسی به سالمندان و حافظان تاریخ نانوشته منطقه کمتر می‌شود؛ با چنین تفکری و در چنان اوضاع و احوالی، بی‌مناسبت نبود تا اندک بضاعت خود را مکتوب سازم. گرچه جسته و گریخته می‌توان در منابع مختلف در احوالات منطقه سیری نمود، لیکن امید است تا آنچه در صفحات آتی خواهد آمد اندک علاقه‌مندان به تاریخ و جغرافیای منطقه را بهره‌مند سازد و زوایای تاریک اتفاقات مهم روشن شود. امید است خوانندگان عزیز این

حقیر را بر کم و کاستی‌های آن ببخشایند.

ذکر چند نکته در اینجا خالی از لطف نخواهد بود:

**نکته اول:** به جهت لزوم به کارگیری بعضی الفاظ و کلمات با گویش محلی و جهت تسهیل در خواندن آنها، بعضاً از آوانگاری استفاده شده که حاصل زحمات آقای علی آتش‌بسته، کارشناس محترم گفتاردرمانی، و یا برگرفته از کتاب گویش بدره، اثر دکتر غلام حسین کریمی دوستان می‌باشد، که صمیمانه از محبت آنان و کلیه دوستانی که مرا در گردآوری این مجموعه یاری کرده‌اند تقدیر و تشکر دارم.

**نکته دوم:** در ترتیب معرفی تیره‌های طوایف مختلف، تا حد امکان سعی شده بر اساس قرائنی همچون جمعیت، در اختیار داشتن املاک و متصرفات موروثی، فروشنده بودن و یا خریدار بودن املاک مروعی منطقه، زمان ورود تیره‌های مربوطه مشخص شود زیرا معمولاً تیره فروشنده املاک قدمت بیشتری نسبت به تیره خریدار دارد؛ کما اینکه تیره‌ای که اصولاً املاک را موروثی در تصرف دارد از قدمت بیشتری برخوردار می‌باشد.

**نکته سوم:** تخمه‌ها و خاندان‌های هر تیره الزاماً از حیث نسبی با هم مرتبط نخواهند بود، گرچه اغلب آنگونه است؛ زیرا ممکن است سرسلسله تخمه‌ای به علت وصلت و رابطه سببی و یا خرید املاک در نقطه مشترکی با هم زندگی کرده باشند که آن هم تا سرحد امکان در متون مربوط به خود توضیح داده خواهد شد.

**نکته چهارم:** ممکن است فرضیات جامعه‌شناسی در خصوص رده‌بندی بافت اجتماعی با آنچه ذکر خواهد شد منطبق نباشد و بر اساس تعریف ویژه این حقیر طراحی شده که متناسب با اقشار تشکیل‌دهنده بافت اجتماعی منطقه بدره است، اگرچه بررسی‌ها نشان می‌دهد رده‌بندی ثابتی در سطح کشور برای نظام ایلی تعریف نشده است. از طرفی، نمی‌توان نظام ایلی را منحصر به دوران عشایری دانست و سیستم یاد شده را خاتمه یافته تلقی نمود؛ کما اینکه قبیله‌گرایی را می‌توان در روستاها و حتی در شهرهای کوچک، به ویژه در زمان برگزاری انتخابات‌ها، به خوبی مشاهده و درک نمود و به نظر می‌رسد سال‌ها از عمر رده‌بندی ایلی باقی مانده باشد. این رده‌بندی در منطقه بدره شامل ایل، طایفه، تیره، تخمه، بنه‌مال، مال و خانواده است. لذا جامعه بدره به شرح

تعاریف زیر رده‌بندی می‌گردد:

ایل، واژه‌ای است ترکی و سطحی از بافت اجتماعی عشایری و روستایی است که از حیث جمعیتی مشتمل بر ده‌ها و بلکه صدها هزار نفر که دارای اشتراکات فرهنگی و بومی هستند می‌باشد و در برگیرنده چند طایفه و معادل آل و خلق خواهد بود.

طایفه، واژه‌ای است عربی و قسمتی از ایل و معادل قبیله و عشیره و مشتمل بر چندین تیره خواهد بود که دارای اشتراکات فرهنگی، جغرافیایی و گویشی می‌باشند و گاه به جغرافیای خاصی محدود نخواهد بود؛ به عبارتی، افرادی از یک طایفه ممکن است در محدوده جغرافیایی طایفه دیگر هم زندگی کنند.

تیره، واژه‌ای است فارسی که مشتمل بر چند تخمه خواهد بود، ولی ممکن است بعضاً از حیث نسبی و گویشی هم با یکدیگر مختلف باشند.

تخمه، واژه‌ای است فارسی و اجتماعی از افراد مشتمل بر چندین بنه‌مال (دودمان یا خاندان) است که از حیث نسبی با هم مرتبط و از یک نژاد هستند.

بنه‌مال، واژه‌ای است کردی و سطحی از بافت و رده‌بندی اجتماعی، عشایری و روستایی است که معادل «هوز» و مشتمل بر چند مال می‌شود که آن هم به نوبه خود مشتمل بر چند خانواده گسترده و هسته‌ای خواهد بود.

آقای جواد صفی‌نژاد نویسنده کتاب «لرهای ایران» در رابطه با ایلات ترکمن و بختیاری رده‌بندی ایلی را بدین شرح آورده است (۱۳۸۱، ص ۴۹ و ۱۳۷-۱۳۰):

ایل بختیاری: ایل، طایفه، تیره، تش، اولاد، مال، خانوار - ایل ترکمن: ایل، یوزلیق، اونلیق، اروغ، اوبه، اودی.

**نکته پنجم:** به منظور آگاهی بیشتر بومیان منطقه، گاه مسائل ریز هم مطرح شده که ممکن است برای خواننده غیربومی و به اصطلاح بی‌طرف جذاب باشد. به هر حال، تلاش زیادی شده که مسائل دستخوش تحریف نشوند و خدای نخواستہ قصوری در کار نباشد. در بخش آخر، سعی شده تا در حد وسع، معمرین شجره‌نامه تیره‌ها تهیه شود؛ گرچه این مهم در خصوص تیره‌های کهن میسر نشد و شجره برخی نیز به علت نپرداختن به این موضوع در گذشته و زنده نبودن سالمندان آگاه امکان‌پذیر نبود. بنابراین تعداد

قابل توجهی از تیره‌ها و تخمه‌ها قادر به تهیه آن نشدند و حقاً کاری پر زحمت است، گرچه شجره برخی از تیره‌های طایفه هندمینی توسط فردی از طایفه مذکور تهیه شده بود لیکن مع‌الاسف وی حاضر به ارائه آن نشد. ضمناً شجره تیره‌ها و تخمه‌ها اصولاً مبتنی بر محفوظات خبره‌ترین سالمندان و چند بار واریسی تنظیم یافته است، ولی به هر حال نباید فراموش کرد که مطالب اغلب بر اساس جمع‌بندی اظهارات معمرین تنظیم شده است تا بعداً کف حسرت نزنیم. شجره معمولاً از اولین و گاه دومین نفر وارده به منطقه آغاز و تا زمانی که برای نسل میانسال کنونی قابل فهم باشد ادامه یافته است. البته پس از شروع تنظیم اسناد ثبت احوال در بدره (۱۳۱۲) و از آن پس، شناسنامه افراد گویای نام والدین هر فردی خواهد بود. در شناسنامه اولین افراد اغلب می‌توان از متولدین ۱۲۵۰ شمسی به بعد را مشاهده نمود.

نکته ششم: عکس‌های موجود عمدتاً توسط نگارنده تهیه و توسط عکاس ماهر و محترم منطقه آقای پرویز مهرابی آرایش رایانه‌ای و رفع نقص گردیده‌اند که زحمات وی قابل تقدیر است.

امیدوارم خداوند لغزش‌های احتمالی موجود را بر اینجانب و معمرین ببخشد. بی‌شک آنچه در این مجموعه خواهید خواند تا سرحد امکان سعی بر رعایت امانت‌داری در تنظیم آن شده است، اما نمی‌توان گفت خالی از اشکال سهوی است.

از آنجا که منطقه بدره همواره جزیی از عیلام باستان و پس از آن بوده، بی‌مناسبت نیست تا گریزی کوتاه به تاریخ ایلام از منظر مورخان و نویسندگان محترم بزنیم:

نقشه‌های جغرافیایی در کتب متعدد تاریخی، قلمرو دولت عیلام باستان را در محل کنونی استان ایلام و خوزستان نشان می‌دهد که در حد فاصل دولت‌های ماد، هخامنشی، پارت، بابل، سومر، آشور و لیدی قرار داشته، ولی مرزهای جغرافیایی آن بسیار فراتر از آن بوده است. به جهت هماهنگی با سرگذشت این مرز و بوم، ابتدا به تاریخ تمدن دیرینه عیلام در زمانی که مستقلاً مملکتی با هویت و ملیتی جدا از ایران باستان بوده می‌پردازیم که به نظر می‌رسد می‌توان بهترین سابقه تاریخی این دیار را بر اساس نوشته‌های پیر آمیت مؤلف کتاب «تاریخ عیلام» و مقدمه خانم شیرین بیانی مترجم محترم کتاب مذکور

جستجو نمود که ما در این قسمت فرازهایی مختصر از آن نقل می‌کنیم:

چنین تصور می‌شود که سوزیان (شوش) با ییلاقات حاصلخیزی که گرداگردش را احاطه کرده بود قلب مجموعه مختلطی را تشکیل می‌داد که «هالتامی» خوانده می‌شد... شایسته است که عیلام در ردیف تمدن‌های سومر، ایران و هیتی قرار گیرد (صص ۱۷-۱۸). نویسندگان دوره تاریخی عیلام را مستند به ویرانه‌های تپه علی‌کش در موسیان از توابع دهلران و مربوط به حدود ۸۰۰۰ سال پیش از میلاد و در عصر کشاورزی قلمداد نموده و آغاز دوره شهرنشینی آن را مربوط به ۴۰۰۰ سال ق.م. دانسته است. بر اساس کتاب مذکور، دوره سومری-عیلامی در عیلام باستان از ۲۸۰۰ تا ۲۴۰۰ سال ق.م. بوده و آنگاه دوران حاکمیت سارگن آگاده در ۲۳۷۵ آغاز و تا ۲۲۵۰ ق.م. ادامه یافته است و سپس دوران حاکمیت پوزور این شوشیناک از سال ۲۲۵۰ ق.م. آغاز و تا اواخر هزاره سوم قبل از میلاد امتداد یافته است. در حدود سال ۲۱۰۰ پیش از میلاد، گوتی‌ها که از اقوام زاگرس‌نشین بوده‌اند، به عیلام هجوم برده و قدرت را به دست گرفته و از آن پس سلسله سیماش تأسیس و شهر سیماش به عنوان پایتخت برگزیده شده است. در صفحه ۴۵ کتاب مذکور آمده است «عیلامی‌ها شخصیت متمایز خود را حفظ کرده و پس از شکستی که از پادشاه لارسا خوردند در طول قرن ۱۹ ق.م. سلسله جدیدی به جای سلسله سیماش تأسیس کردند و این سلسله شهر شوش را پایتخت خود ساخت».

وی حاکمیت عیلام را در قرن ۱۶ ق.م. از آن سلسله «سوکالاهوها» می‌داند و عصر تمدن طلایی عیلام را در خلال سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۱۰۰ قبل از میلاد قلمداد می‌کند که مربوط به زمان حاکمیت سلسله اونتاش گال و دوره تأسیس معبد عظیم زیگورات در چغازنبیل است که متعاقب آن پادشاهی سلسله شوتروک ناهوته و پسرانش کوتیرنا هوته و شلیهک این شوشیناک با اقتدار بر عیلام باستان حاکمیت داشته است. پیرامیه معتقد به برقراری ارتباطات اجتماعی و بازرگانی عیلامی‌ها با ایرانیان در حدود ۱۱۰۰ ق.م. است، ولی تاریخ آن را در هزاره اول ق.م. در پس پرده‌ای از ابهام می‌بیند اما به اضمحلال آن در این دوره اعتقاد ندارد و فرجام عیلام را مربوط به قرن هفتم قبل از میلاد می‌داند و می‌نویسد در این دوره در شرایطی که اطلاعی از آن در دست نیست یک ایل

ایرانی، یعنی ایل پارس، سرزمین آنزان را تصرف کرد و قلمرو عیلام منحصر به منطقه سوزیان گردید و سرانجام آشور بانیپال (۶۳۲-۶۶۸ ق.م.) پس از فتح بابل عیلام را نیز تحت سلطه درآورد و هویان هالتاش شاه این مملکت را از سلطنت خلع کرد و شوش پایتخت آن را غارت نمود. پیر آمیه به وجود سی و دو شهر در قلمرو عیلام باستان اشاره نموده و در خلال نوشته هایش به شهرهای آوان، حماضی، سوزیانا، هیدالو، مادکتو، سیماش و دورانتاش یاد می‌کند و به آثار باستانی، نوشته‌ها و مجسمه‌های عیلام باستان استناد نموده که محل نگهداری اغلب قریب به اتفاق آنها در موزه لوور فرانسه است.

خانم بیانی مترجم کتاب تاریخ عیلام اثر پیر آمیه نیز در مقدمه‌ای که بر آن آورده است چنین نوشته است: سرزمین عیلام یکی از چهار قسمت دنیای قدیم بوده یعنی: آکاد در شمال، سوبارو در مشرق، آمور در مغرب و عیلام در جنوب محسوب شده است. عیلامی‌ها از نژاد «زاگر و عیلامی» یعنی نه هندواروپایی و نه سامی بوده‌اند. کشور عیلام شامل خوزستان، لرستان امروزی و بشتکوه و کوه‌های بختیاری بوده است.

ایالات مهم عیلام عبارت بودند از: سوزیان (شوش)، آوان (کنار کرخه و دز)، سیماش (شمال خوزستان و نواحی کوهستانی)، آنزان یا آئشان (مال امیربختیاری)، و پارسوماش که مسجد سلیمان امروزی است بوده است.

خانم بیانی اوج قدرت و عظمت عیلام را مربوط به دوران حاکمیت اونتاش گال و شوتروک ناهونته می‌داند که در خلال فتوحات آنان، کشور بابل، نواحی دیاله، دجله، کرکوک، سواحل خلیج فارس و سلسله جبال زاگرس تحت تسلط عیلامی‌ها بوده است و این فتوحات به قدری مهم جلوه گردیده و امپراطوری عیلام به حدی عظمت یافت که تورات نیز درباره فتوحات عیلام مبحثی دارد و از شاه عیلام به نام کدر لاعمیر (la-omar kador) صحبت دارد که با متحدان خود به فلسطین حمله برده‌اند.

اینک به مرحله دوم سرگذشت عیلام پس از فروپاشی و ادغام آن در دول همجوار می‌پردازیم:

در دوره هخامنشیان، استان ایلام در تقسیم‌بندی بیست‌گانه ایالت‌های مختلف هخامنشیان جزو ساتراپ‌نشین ایلام بزرگ بود (افشار سیستانی، ۱۳۷۲: ۱۱۹). در دوره

اشکانی، ایالت‌هایی چون ایلام، ماد، آذربایجان و ارمنستان با وجود اینکه در قلمرو اشکانیان قرار داشتند به صورت مستقل اداره می‌شدند و تنها به پادشاه اشکانی اظهار تابعیت نموده و در مواقع ضروری به پادشاه اشکانی کمک نظامی می‌دادند (راد، ۱۳۷۴: ۱۰۵).

پرواقع‌ترین عصر تاریخی ایلام در دوره باستانی مربوط به دوره ساسانی است و آثار به جا مانده مؤید این مطلب است (سیستانی، ۱۳۷۲: ۱۲۳).

در زمان حکمت یزدگرد مسلمانان به ایران حمله کردند و مناطق ایلام، لرستان و خوزستان توسط یکی از حکام هفتگانه پارسی به نام هرمزان اداره می‌گردید (بلاذری، ۱۳۶۴: ۶۷).

به استناد روایت مورخان اسلامی و محققان تاریخ استان ایلام، در دوره ساسانی در قسمت جنوبی استان ایلام با حواشی آن و قسمت‌های شمالی با مناطق هم‌جوارش دو ایالت به نام‌های ماسبدان و مهرجان فذق وجود داشته است. در زمان ساسانیان، استان ایلام جزو سرزمین «پهله» یا «پهلو» یعنی استان بزرگی که بعدها آن را «جبال» نامیدند، بود (اکبری، ۱۳۸۶: ۱۶۱-۱۶۰).

خلفا سرزمین امروزی ایلام و برخی نواحی دیگر را از طریق حاکم کوفه تحت اداره و نظارت خود داشتند. این وضعیت تا قرن دوم هجری ادامه پیدا کرد (راد، ۱۳۷۴: ۱۴۹). در زمان امپراتوری اسلامی، سرزمین ایلام و لرستان جزو ایالت جبال (کوهستان) ضمیمه یکی از استان‌های شرقی به نام جزیره (عراق عرب) بود (سیستانی، ۱۳۷۲: ۲۸۴).

در سال ۲۶۴ ه.ق.، بخشی از سپاه یعقوب لیث صفاری صیمره (سیره) را تصرف کرد، اما در جنگی که بین سپاهیان خلیفه و سپاه یعقوب روی داد او شکست خورد و اندکی بعد درگذشت و جانشین وی با خلیفه سازش نمود و خلیفه حکومت او را بر سرزمین ایلام امروزی به رسمیت شناخت (سیستانی، ۱۳۷۲: ۱۲۸).

در نیمه دوم سده چهارم هجری قمری، حسنویه پسر حسین کرد که از شیعیان بود بر شمال لرستان و قسمتی از مرکز آن دست یافت (بدلیسی، ۱۳۵۴: ۴۰). حسنویه در سال

۳۶۸ ه.ق. در گذشت و پسر وی بدر بن حسویه که از شیعیان با فضیلت و قدرت بود جای وی را گرفت (راد، ۱۳۷۴: ۱۵۸).

پس از آل حسویه، چند سالی آل زیار و آل بویه و غزنویان امرایی به این منطقه اعزام کردند ولی حکومت آنان دوام نیاورد تا اینکه برسقیان در این ناحیه قدرت را در دست گرفتند. برسق و فرزندانش مطیع سلجوقیان بودند. حکومت این خاندان تا هنگامی که اتابکان لر بر آنان غلبه کردند ادامه یافت (سیستانی، ۱۳۷۲: ۱۶۰).

طبق اطلاعات، تا حدود سال ۵۵۰ ه.ق.، طوایف متعددی که در نواحی لرستان سکونت داشتند هیچگاه متحد نبوده و تحت فرمان شخصی واحد نبودند و مالیات خود را به دیوان دارالخلافه در بغداد می پرداختند...

در سال ۵۵۰، یکی از حکام آق سنقری به نام حسام الدین شوهلی حاکم منطقه لرستان و خوزستان شد و از میان طوایف لرستان، دو تن از بزرگان طایفه چنگروی به نام محمد و ابوبکر به خدمت حسام الدین شوهلی سیستانی در می آیند. فرزند ابوبکر به نام شجاع الدین خورشید نزد حسام الدین مقام و منزلت بسیار می یابد و بر تمام مناطق لر کوچک و اقوام و طوایف آن دست یافت و حاکم لرستان کوچک شد که اتابکان لر کوچک به اتابکان خورشیدی معروف شدند (بدلیسی، ۱۳۶۴: ۵۹-۵۸).

سلسله اخیر تا سال ۱۰۰۷ قمری بر لرستان و ایلام حاکمیت داشتند که در این زمان به دستور شاه عباس صفوی، شاهوردی خان به قتل رسید و به حکومت آنان خاتمه داده شد و پس از آن، حاکمیت والیان لر آغاز شد و سرانجام در دوره قاجاریه، ایالت لرستان به دو ولایت پیشکوه و پشتکوه منقسم گردید و در حقیقت هریت مستقل استان کنونی ایلام نوعاً شروع شد و حکومت والیان لر به ولایت پشتکوه محدود و معمولاً افرادی از خاندان قاجاریه به عنوان والی ولایت پیشکوه منصوب می شدند با ظهور رضاخان پهلوی، حکومت والیان در معرض تهدید جدی قرار گرفت و در نتیجه غلامرضا ابوقدره آخرین والی ایلام پس از ۴ سال مقاومت در برابر حکومت مرکزی در سال ۱۳۰۷ به عراق گریخت و حکومت والیان پایان یافت.

با تشکر: سیف الله صفری